

آثار هیئت و عظمت. مکون حقیقی بقدری هویدا است که از همه ذرات این سلسله ممتده، محاط رشته بصر آواز مصداق (والی الجبال کیف رفت) بسمع جان میرسید و ناطقه وجدانی با الهان روحانی (بلی وهو الخلاق العلیم) میسرود. کوئی قفل مرفوعه چون مردان خدا از شفق برف بی زوال چهره بندگی خود را در کمال سربلندی سفید نموده و دامن از آرایش هر چه مایه وبال است با لا چیده علایم عبودیت را بی همه سیر و سلوک پابرجا در حالت خوف با دره های بی نه عمیق و بلندیهای فلک فرسا به محضر کبریائی معبود خویش عرضه داشتند.

این عبارت عظیم و با شکوهیست که عظمت کوه را در مقابل رفعت پایگاه جلال خاضع ساخته است و شکوه آن عذر خواه بعضی مراعات سجع "پابرجا" و خوف و رجا و ذکر صفت عمیق پس از صفت بی ته و غیر از اینها خواهد بود.

رشید یاسمی — طهران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جهان‌بینان پرتال جامع علوم انسانی

۱- زن و هیئت جامعه

در مقاله اخیر خود نگاشتم که زن قوام جامعه انسانیست و برای تمهید سعادت و تسلیت جنس بشر بوجود آمده است، زن در هیئت اجتماع، وظایف و تکالیفی دارد که برای آنها آفریده شده و برای انجام همان تکالیف است که باید دارای اخلاق حمیده و

صاحب اطلاعات و معلومات کافی بوده تا بتواند در ایفای وظایف مادری مراقبت نامه بعمل آرد و اطفال خود را در نهایت خوبی تربیت نماید. و خاطر آنها را با خیالات آشفته و افکار جاهلانه مشوش نسازد.

آری بعقیده نویسنده معروف (هانری ماریون) فرانسوی بزرگترین بدبختی یک جامعه و نخستین حلقه‌ای که زنجیر اسارت نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهد از جهالت و نادانی زن است چه تهذیب نفوس و پرورش دادن مواهب و مزایائی که در نهاد انسان بودیعت گذارده شده بعهده زن است.

زن است که باید انسان را در آغاز ورود بمیدان زندگانی در پرتو رحمت و شفقت کامله نشو و نما داده طریق حیات و سعادت را از لحظه اول بدو بیاموزد و نهال عقل زنده و فکر با نشاط را در کله اطفال غرس نماید.

برای احراز این فضیلت یعنی برای اینکه نسوان بتوانند مزیت سعی و اقدام را کاملاً از خود ظاهر سازند کافی نیست که کله‌ای چند از نشر و تعمیم و تربیت ناقص امروزی میان آنها سخن رانند؛ تعلیمی را که حقیقتاً منافعی عفت و طهارت باشد و جز لکه‌های تنگ و عار بدامان زنان فایده و اثر دیگری نبخشد هیچوقت آرزو نباید داشت.

چه بسیار نسوانی که در تحت تأثیر شوم تعلیم و تربیت ناقص کنونی گوهر گرانبهای نجابت و عصمت را از دست داده در وادی گمراهی و بد عملی سرگردان شدند.

همان طوریکه تربیت جلوگیری از بسیاری مفسد اخلاق میکند در مورد دیگر مزید بر علت شده خود موجد و باعث نکبت

و رذالت و سفالت است. آری، چو دزدی با چراغ آید گزیده
 تر برد کالا، پس در این صورت کسانی که در بسط و توسعه تعلم
 و تربیت زنان اصرار و ابرام می ورزند نباید کورکورانه يك موضوع
 مهمی را ملعبه و بازیچه خود قرارداده هر روز نعمه و ترانه جدیدی
 سرایند.

باید قبلاً باین مسئله مهم امعان نظر و دقت صحیح نموده،
 پس از تشخیص درد بمعالجه مرض پردازند والا از گفتن و نوشتن
 و فریاد کردن نتیجه عملی بدست نخواهد آمد.

همگی می دانید که اوضاع زنان امروزه ایران خیلی حزن
 انگیز و باعث تأثر است، نه تنها زنهایی که در آغوش جهل و نادانی
 پرورش یافته اند دو چار فشار و انحطاطند بلکه زنان عالمه تحصیل
 کرده پیش از آنها دوچار مشکلات و موانع می باشند و آن مقام
 و منزلتی را که سایر نسوان در عالم برای خود احراز کرده اند
 آنها فاقد می باشند.

علل و اسباب تیره بختی زنان ایران را تا کنون هر کسی بیک
 نحو و شکلی بیان نموده است ولی مع الاسف آنطوری که باید
 و شاید حقیقت و نفس الامر مطلب را بیان نکرده اند ولی ما از این
 مقاله شروع نوشتن يك سلسله مطالبی خواهیم کرد که دانستن آنها
 خیلی لازم و برای اشخاصی که علاقه مند به ترقی نسوان هستند
 توجه بدان بی مورد نیست.

برای اینکه اخلاق زنان ایران از عیوب جهل و نادانی منزه
 گردد و برای اینکه فضایل نفسی و علو حالات روحیه در آنها
 پدید آید قبلاً فطرت و آداب و اخلاق، تأثیر تربیت، و طرز معیشت،
 احساس، ذکاوت و اراده، روحیات و سایر صفات آنها را از حب

و بغض، رحمت و شفقت، حسد و عداوت تحت مطالعه قراردهیم و عقیده هر يك از نویسندگان بزرگراه از قبیل "جون ستوارت میل" — "هانری ماریون" — "امیرعلی هندی" و غیرهم که هر يك در مقام خود حجتی کافی و دلیلی قاطع است بدان اضافه نمائیم، و برای اینکه این مسئله را نیز بطوریکه هست شرح دهیم ناگزیریم قبلاً مسائل ذیل را مورد بحث قرار بدهیم:

(۱) حالت اجتماعی زن در قرون ماضیه

(۲) استشهاد بقوانین ملل

(۳) مقیاس ترقی نسوان

۱- طبیعت زن تابع دو عامل مهم و قوی است: یکی حالت اجتماعی او و دیگری تکون جسمانی او. تقدم زن در نمودن بوضعیات اجتماعی دنیا از ازمینه قدیم بوده و در هر عصری از اعصار، زن برای اصلاح حال مرد و تنظیم امور اجتماعی و اداری، شرکت میکرده و در حقیقت یکی از قوای عامله حیاتی و اخلاقی عصر خود محسوب می شده و در کلیه اعمال و اقدامات تأثیری بس کامل داشته و عبارت دیگر زندگانی را عبارت از فهم و ادراک میدانسته.

و برای اینکه این مطلب را بدرجه ثبوت رسانیم و بتأیید برهان حسی و عقلی، آنرا واضح سازیم، کافی است زنهای مصر را شاهد مثال قرار بدهیم.

ما بحالت اجتماعی زمان قدیم مصر از مؤلفات یسینیان و از آثار و رسوم بسیاری که جدیداً کشف گردیده استدلال می کنیم زیرا از این راه پی خواهیم برد که زن در ازمینه قدیمه چه مقام و منزلت رفیعی را دارا بوده و اکنون چگونه سعادت خود را از دست

داده رشته حیاتش از هم گسیخته است، از مقایسه حالت آن عصر و زمان حاضر می‌فهمیم که زن دارد بآئیه خود بحالت یأس می‌نگرد و جز آرزو چیزی برایش باقی نمانده است و با این فلاکتها و بدبختی‌های متراکمه بالاخره جز نومی‌دی و خسران نتیجه‌ای نخواهد بزد.

زنهای قدیم مصر علاوه بر رسیدگی و انجام کارهای داخلی در صنایع و مشاغل نیز مداخلات تا می‌داشتند، بسیاری از اقمشه و منسوجات و پارچه‌های دیگری که محتاج الیه مردم بود بدست آنها درست می‌شد و در لذات و تنعمات دنیوی هم با مردها شریک بودند. در مهمانی‌ها و مجالس و احتفالات مذهبی که منعقد می‌شد زن در ردیف مرد می‌نشست و با او هیچگونه فرق و امتیازی نداشت.

زنها در سن جوانی مجبور بودند که خود را بزبور آلات و کلهها و ریاحین قشنگ بیارایند و محفل را بجمال طناز و عشوه بار و آوازهای دل‌نشین خود رونق دهند. زنهای سالخورده، مانند پدر مورد تکریم و تعظیم و احترامات فوق العاده واقع می‌شدند و در همه چیز مساوی با مرد بودند. بلکه بعضی امتیازات دیگری برای آنها بود که مردها از آن محروم بودند.

در آنوقت نسوان بسیار مقتدر بودند و از حق حیات خود کاملاً مستفید می‌شدند ولی چیزی نگذشت که به تمادی ایام وتوالی روزگار، ان قدرت و جلالت سپری شد و اوقات بیچارگی و در ماندگی زن فرا رسید، سیر قهقرائی زن نه تنها او را در حد محدودی نگاه داشت. روز بروز بیشتر در معرض دستبرد حوادث واقع می

دیدید، و اگر بتاریخ ایام گذشته قدری عطف توجه بشود ملاحظه می‌گردد که چگونه زن مورد تنفر و تحقیر بوده و چگونه با او معامله می‌شده و برای اینکه چگونگی حالات و وضعیات او روشن تر گردد ناگزیریم که در مسئله ذیل قدری صحبت بداریم.

۲- استشهاد بقوانین ملل — در اینجا بيمورد نیست که فرق بین عادات و قوانین واضح گردد؛ عادت همیشه مقدم بر قانون است یعنی غالب قوانین برای تفسیر و تعبیر از عادات معموله و بعضی اوقات برای تهذیب و تنقیح عادات رذیله وضع و تدوین گشته اند، و از آنجائیکه از عادات و اخلاق پیشینیان کاملاً مطلع نیستیم این مقداری هم که در دست است فقط بواسطه آثار ادبی آنهاست که باقی مانده در این صورت تکیه کلام و اعتماد فقط بقوانینی خواهد بود که در شئون سیاسی و حالت اجتماعی زن تدوین گردیده است، و چندان بعادات و آداب که ما بین دو عصر یا دو سلسله تغییر می‌یابد استناد نمی‌جوئیم.

هند — هند قدیم تمدن خود را از دو دولت عظیم الشان تاریخی عالم، یونان و رومان که مدنیت در آن وقت ضرب المثل تواریخ است اقتباس نمود و همان طوریکه در تمام امور این دو دولت را طبق النعل بالنعل پیروی و متابعت می‌نمود، شئون زن را نیز تابع آنها قرارداد خط مشی و طریق سیر زن را از آن دو دولت کسب کرد، اگر در شریعت "مانو" تدقیق نمائید يك ماده ملاحظه خواهید کرد که در آن توجه بزرگان و علمارا بخود معطوف داشته و میگوید: "زن باید در طفولیت تابع پدر خود باشد و در جوانی پیروی شوهر را اختیار کند پس از وفات شوهر بایستی پسرهای خود را متابعت کند و در صورتیکه پسری نداشته باشد خویشاوندان

شوهر را باید برای سرپرستی خود اختیار نماید و در هر حال نبایستی زن در کارها باختر خود و اگذار شود و در هر مورد مساعدت و کمک مرد برای او بسی مفید و لازم است.

قاهره — س. مصطفی طباطبائی

۲ — خفه کردن احساسات جوان ایران

روزی نزدیک ظهر بعزم تماشای نمایشگاه امتعه وطنی از طرف ارك باتفاق چند نفر از خانمها میرفتم نزدیک عدلیه رسیدیم دیدیم غوغائی بریاست قیامتی است عده زیادی از بازارها و هوجیها اجتماع کرده و فریاد میکنند، «لا مذهب ها، مذهب رفت و دین رفت، باینها را بکشید، دار بزنید، نامه جوانان حرام است، ابراهیم خواجه نوری با بی است این روزنامه نجس است...» کنجگاری مرا بر این داشت که از چگونگی مطلع شوم رفتم جلو از يك سید ژولیده که پیش از همه فریاد میکرد پرسیدم باباجان چه شده این نامه جوانان تازه پیدا شده نوشته زنهارا بیرون بیاورید رویشان چه خبر است؟ گفت همشیره ناموس ما رفت دین ما رفت حالا دیگر را باز کنید — دیگر ما بی عصمتی را حاضر نیستیم تحمیل بکنیم — من روزنامه مزبور را خوانده بودم و نویسنده اش را میشناختم مفاد مقالاتش اینکه پیشنهاد کرده بود از نقطه نظر اقتصادی، اجتماعی، حفظ نوامیس جامعه و ترقی نسوان خوبست خانمها چادر اطلس را مبدل به چارشف (چادر اسلامبولی) نمایند و فوایدیم برای اینکار ذکر کرده که اگر میخواندید تصدیق میکردید که ابداً مخالفی با دین مبین اسلام نداشت يك رباعی هم در سر لوحه آن نوشته

بود که چون طرف تحسین واقع شده، اینک برایتان مینوسم: تاکی کفن سیاه در بر دارید. تا چند نقاب تنک بر سر دارید. گر طالب آزادی و علم و هنرید. ترکانه حجاب جهل را بردارید. مختصر قسمت عمده این روزنامه حمله بخرافات و طرفداری زنان بدبخت ایران بود البته بیداری مردم و ترقی زنها که نصف بیشتر ملت را تشکیل میدهند مضر بمنافع غیر مشروع چند نفر خرافات پرست و علمای ریاکار است این روزنامه بطبع آقایان گران آمده بازاربهای بی سواد بدبخت را که هر روز آلت دست يك بی شرفی میشوند تحریک کرده و مجازات سخت برای نویسندۀ آن خواستار شدند— من با کمال تأثر از تماشا صرف نظر کرده بمنزل مراجعت کردم و هر روز از جریان این امر استفسار میکردم اکنون خلاصه این قضیه را برای اطلاع شما مینویسم که از بیچاره گی مازنهای بدبخت مطلع شوید.

تجار و کسبه هر روز بر فشار خود میفزودند از عدلیه نتیجه نگرفته با اجتماع رفتند منزل رئیس الوزراء قانونی عالم آقای مشیرالدوله!! ایشان از ترس و از عوام فریبی، حکم مؤکدی دائر بمجازات و تعقیب نویسندۀ مزبور صادر کردند مدعی العموم (که او خود یکی از اشخاص فوق الذکر است) بنام قانون اقامۀ دعوی کرد پس از رفت و آمد و گفت و شنید روز محاکمه رسید مردم باطاق محاکمه هجوم کردند در تمام حوالی توپ مروارید محل عبور نبود در طالار محاکمه روی سرهم سوار بودند (مازنها هم روز اول محاکمه در طالار رقتیم ولی روزهای بعد بدون مجوز قانونی حضور زنها را در محاکمه قدغن کردند) مدعی العموم گفت نویسندۀ نامه جوانان موافق تشخیص ناظر شرعیات در روزنامه

خود مقالاتی مضر بدیات اسلام و عفت و عصمت مسلمین درج کرده و من مجازات شدید اورا طالبم — میرزا ابراهیمخان با فصاحت و نهور فوق العاده جواب گفت: اولاً موافق کدام آیه قرآن یا حدیث و اخبار میگوئید زنهای مسلمان فقط با چادر اطلس باید حجاب کنند آیا خانمهای ترك مسلمان نیستند مگر نه تمام زنهای دهاتیان و ایلات ایران روی باز با نهایت عفت بمردهای خود كمك میکنند؟ و نانیا من چون خیلی از دست علماء و مردم عصبانی شده‌ام میترسم اگر خودم دفاع کنم حقایقی را بیان کنم که امروز مقتضی نیست هر و کیلی هم برای مدافعه معین کردم این آخوندها تهدیدش کردند و او فوراً استعفا داد آقایان و کلا از جانی دفاع نمینمایند لذا تقاضا میکنم محکمه برای من و کیل معین کند مدعی العموم گفت ما کاری نداریم باینکه آیا واقعاً مفاد مقالات شما بر خلاف اسلام بوده است یا نه ناظر شرعیات تشخیص جرم داده علماء هم تصدیق کرده‌اند (ناظر شرعیات يك شیخ بی سوادى است که در اثر فشار آخوندها پست ناظر شرعیاتی در معارف ایجاد و اورا برای این پست معین کرده‌اند) در زمان ریاست وزراء قوام السلطنه بتحریرك خود او خر یکی از علماء مر محله کلیمبها برقص آمد و کلیمبها بان حیوان بی احترامی کردند در نتیجه جنك سختی که بین کلیمبها و مسلمانان برپا شد علما اجتماع کرده و با فشار دو ماده قانون که بر خلاف قانون اساسی است راجع باختناق مطبوعات برفع خودشان از مجلس گذراندند — این قضیه را آزادیخواهان نهضت خرینامند) میرزا ابراهیمخان گفت اگر تشخیص ناظر شرعیات قاطع است پس هیئت منصفه چه معنی دارد ولی چون نمیخواستند حرف حسابی را بشنوند گوش بحرفش

ندادند و کیل خائنی محکمه برایش معین کرد مختصر این جوان حساس را محکوم بتادیه دوپست تومان پول و چهار ماه حبس و توقیف روزنامه نمودند فعلاً در محبس نمره ۲ نظمیہ مریض افتاده. در قرن بیستم اینست رفتار علماء ایران مخصوصاً نسبت باشخاصیکه طرفداری از زنان بیچاره ایرانی کنند چون میترسم همه جوانان از ترس مجازات برای ترقی زنان دیگر اقدامی نمایند با سابقه ارادت این شرح را معروض داشتم و از طرف جمعی از خانمها و خود مستدعی است در مجله خود درج و جوانان ایرانی را تشویق بجرئت نموده از ترس که بدترین صفات است منع فرمایند. (امضاء محفوظ)

صنایع ظریفه

بقیه از شماره ۳

صنعت - صانع، مصنوع

سابقاً گفتیم، سببی که صانع را وادار بخلق و ترکیب يك مصنوع میکند، همان احتیاج به بیان احساسات خود است، بوسیله مصنوعی که رابط و ناقل آن احساسات است بدیگران.

حالا می خواهیم قدری نزدیکتر و محترم تر شده، عوامل مهمی را که برای تشکیل این مصنوع بکار افتاده و شرکت می جویند، در صانع آن جستجو نموده، تا بدانیم که در ساختن این مهم، چند يك از حواس و قوای مختلفه صانع شرکت در عمل میجویند. این تجسس و دانائی، ما را مرتبت بحریمیت و لیاقت قضاوت در